

A Semantic Analysis of the Concept of *Tarbiyah* (Upbringing) with Emphasis on the Twenty-Fifth Supplication of *Al-Sahifa al-Sajjadiyya**



Azadeh Parsa

PhD student in Quran and Hadith Sciences, Department of Theology and Islamic Studies, Yadegar
Imam Khomeini Branch, Shahr-e Ray, Tehran, Iran. aazadehparsa@gmail.com

Abstract

The term *tarbiyah* (*upbringing* or *education*) is one of the most significant concepts employed across various disciplines, particularly in psychology. Psychologists and scholars in the field of education have offered diverse and sometimes differing definitions and interpretations of this concept. Likewise, the teachings of Islam devote special attention to the subject, one notable example being the Twenty-Fifth Supplication of *Al-Sahifa al-Sajjadiyya*. This study examines the meaning and conceptual dimensions of the term *tarbiyah* as it appears in the Twenty-Fifth Supplication of *Al-Sahifa al-Sajjadiyya*. Employing the principles of semantics and textual analysis, the research seeks to clarify the meanings and concepts intended by Imam al-Sajjad (A.S.) through his use of this term and its derivatives. The study first investigates the lexical and technical meanings of *tarbiyah* through an etymological analysis based on classical Arabic lexicons. It then

* Parsa, A. (2024). A semantic analysis of the concept of *tarbiyah* (upbringing) with emphasis on the Twenty-Fifth Supplication of *Al-Sahifa al-Sajjadiyya*. *Islamic Knowledge Management*, 6(1), 107–127.
<https://doi.org/10.22081/jikm.2022.60890.1058>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2023/10/17 • **Revised:** 2024/12/20 • **Accepted:** 2025/01/06 • **Published online:** 2025/02/28

© 2024

authors retain the copyright and full publishing rights



examines the usage of the term in the Qur'an and the traditions (*hadiths*) of the Infallible Imams (A.S.). Finally, by drawing upon these meanings and comparable verbal and semantic evidence found in other Qur'anic verses and narrations, the study elucidates the meanings and implications of *tarbiyah* and its derivatives as employed by Imam al-Sajjad (A.S.) in the Twenty-Fifth Supplication of *Al-Sahifa al-Sajjadiyya*.

Keywords

Tarbiyah (Upbringing), *Al-Sahifa al-Sajjadiyya*, Semantics; Educator, Learner.

الدلالة المعجمية لمفهوم كلمة «التربية» مع التركيز على الدعاء الخامس والعشرين من الصحيفة السجادية*

آزاده بارسا

طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث، قسم اللاهوت والمعارف الإسلامية، فرع يادكار الإمام الخميني رحمته الله، شهرري. طهران. إيران.
aazadehparsa@gmail.com

الملخص

تُعدّ كلمة «التربية» من أهم المصطلحات المستخدمة في مختلف العلوم، ومنها علم النفس، حيث قدّم علماء النفس والباحثون في مجال التعليم والتربية تعريفات ومعاني متعددة ومختلفة لها. كما أنّ تعاليم الدين الإسلامي قد تناولت هذه المسألة المهمة على وجه التحديد، بما في ذلك الدعاء الخامسة والعشرون من الصحيفة السجادية. يتناول هذا البحث دراسةً تدبّريةً وتأمليةً لمعنى ومفهوم كلمة «التربية» في الدعاء الخامس والعشرين من الصحيفة السجادية. ويسعى البحث، بالاعتماد على علم الدلالة وتحليل عبارات هذا الدعاء، إلى بيان المعاني والمفاهيم التي أرادها الإمام السجاد عليه السلام من استعمال هذه الكلمة ومشتقاتها. يعرض البحث في البداية المعنى اللغوي والاصطلاحي لكلمة «التربية» بالاستناد إلى تحليل جذورها في كتب اللغة، ثمّ يبحث في استعمالاتها في آيات القرآن

* الاستشهاد بهذه المقالة: بارسا، آزاده (٢٠٢٤). الدلالة المعجمية لمفهوم كلمة «التربية» مع التركيز على الدعاء الخامس والعشرين من الصحيفة السجادية. إدارة المعرفة الإسلامية، ٦(١)، صص ١٠٧-١٢٧.
<https://doi.org/10.22081/jikm.2022.60890.1058>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الإستلام: ١٧/١٠/٢٠٢٣ • تاريخ التعديل: ٢٠/١٢/٢٠٢٤ • تاريخ القبول: ٠٦/١٠/٢٠٢٥ • تاريخ الإصدار: ٢٨/٠٢/٢٠٢٥

© 2024

authors retain the copyright and full publishing rights



الكریم وروایات المعصومین عليه السلام. وبعد ذلك، وبالاغتماد على المعاني والمفاهيم المذكورة والشواهد اللفظية والدلالية المماثلة في الآيات والروایات الأخرى، يتمّ توضيح معنى ومفهوم كلمة «التربية» ومشتقاتها التي استخدمها الإمام السجاد عليه السلام في الدعاء الخامس والعشرين من الصحيفة السجادية.

الكلمات المفتاحية

التربية، الصحيفة السجادية، علم الدلالة، المربي، المتربي.



معناشناسی واژه تربیت با محوریت دعای بیست و پنج صحیفه سجادیه*

آزاده پارسا

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد یادگار امام خمینی شهر ری، تهران، ایران.
aazadehparsa@gmail.com



چکیده

واژه «تربیت» یکی از مهمترین واژه‌های کاربردی در علوم مختلف از جمله علم روانشناسی است به طوری که روانشناسان و پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت، تعاریف و معانی مختلف و متفاوتی را از آن بیان داشته‌اند. همچنین آموزه‌های دین مبین اسلام، به صورت خاص به این امر مهم پرداخته است از جمله می‌توان به دعای بیست و پنجم از صحیفه سجادیه اشاره نمود.

پژوهش حاضر، تدبر و تأملی در معنی و مفهوم واژه «تربیت» در دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه است. این پژوهش بر آن است تا با کمک دانش معناشناسی و تحلیل عبارات این دعا، معانی و مفاهیم مورد نظر امام سجاد (علیه السلام) را از استعمال این واژه و مشتقات آن تبیین نماید.

در این پژوهش، ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی واژه «تربیت» براساس ریشه‌یابی آن در کتاب‌های لغت، بیان می‌شود و سپس کاربرد آنها در آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) بررسی

* **استناد به این مقاله:** پارسا، آزاده. (۱۴۰۳). معناشناسی واژه تربیت با محوریت دعای بیست و پنج صحیفه سجادیه. مدیریت دانش اسلامی، ۶(۱)، صص ۱۰۷-۱۲۷.

<https://doi.org/10.22081/jikm.2022.60890.1058>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰

© 2024

authors retain the copyright and full publishing rights



شده و با استناد به معانی و مفاهیم گفته شده و شواهد لفظی و معنایی مشابه در آیات و روایات دیگر، معنا و مفهوم واژه «تربیت» و مشتقات آن که در دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه توسط امام سجاده علیه السلام به کار برده شده است روشن می گردد.

کلیدواژه‌ها

تربیت، صحیفه سجادیه، معنی شناسی، مربی، مربی.

مقدمه

تربیت فرزند یکی از مهمترین وظایف والدین و مربیان و همچنین از مهمترین حقوق کودک در عرصه زندگی او می‌باشد.

تربیت مجموعه تلاش‌های سنجیده و منظم برای نیل به هدف‌های مشخص و شکوفا نمودن استعدادهای درون انسان و توان‌های بالقوه در تمام ابعاد وجودی او و هدایت غرایز نهفته در آنها به سوی کمال و رستگاری است. بر همین اساس والدین کودک هم از نظر اخلاقی و هم از لحاظ عقلی موظف به تربیت او می‌شوند. چنانچه امام سجاد علیه السلام در فرازی از دعای ۲۵ صحیفه سجادیه در ارتباط با فرزندان چنین می‌فرماید: «وَ أَعْنِي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ، وَ بَرِّهِمْ؛ مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما». از آنجایی که امامان معصوم علیهم السلام بهترین شیوه‌های تربیتی فرزند را فرا روی پیروان خود نهاده‌اند، از این رو دستورها و فرمایش‌های ایشان در قالب روایات و احادیث می‌تواند به عنوان موفق‌ترین الگوهای تربیتی در طول تاریخ بشر مطرح شود.

امام سجاد علیه السلام نیز در کتاب شریف صحیفه سجادیه دعایی را به این امر مهم اختصاص داده و نکات و موارد تربیتی ارزشمندی را در خلال فرازهای این دعا بیان فرموده‌اند که با بررسی موارد کاربرد واژه تربیت و مشتقات آن در این دعا و بیان دقیق معانی لغوی و اصطلاحی آنها با استناد به کتب لغت و آیات و روایات، می‌توانیم معناشناسی دقیق وارزشمندی را برای فهم بهتر معنای اصلی و حقیقی واژه تربیت ارائه نماییم.

بنابراین با توجه به معانی مختلف واژه تربیت و موارد کاربرد آن در آیات و روایات و همچنین تنوع و تعدد مشتقات آن، پرسش‌هایی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا همگرایی و همخوانی معنایی در بین آنها وجود دارد یا خیر؟ و معانی مورد نظر امام سجاد علیه السلام، از کاربرد این واژه در دعای بیست و پنجم صحیفه کدام می‌باشد؟

صحیفه سجادیه

صحیفه مبارکه سجادیه، اثر ماندگار سیدالسادین حضرت امام علی بن الحسین علیه السلام در

بردارنده پنجاه و چهار دعا است که پس از قرآن مجید و نهج البلاغه، بزرگترین و مهمترین گنجینه گرانبهای معارف شیعی به شمار می‌رود، به گونه‌ای که آن را «اخت القرآن» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۷۸ق، ج ۱۵، ص ۱۸)، «انجیل اهل بیت (علیهم السلام)» و «زبور آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)» خوانده‌اند (مدنی، ۱۳۶۸، صص ۴-۵). دلیل اینکه صحیفه سجادیه را زبور آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و انجیل اهل بیت (علیهم السلام) نامیده‌اند بنابر گفته ابن شهر آشوب، این است که این صحیفه همانند زبور و انجیل که از سوی خدا بر زبان حضرت داوود و عیسی جاری شد، بر زبان حضرت علی بن حسین (علیه السلام) جاری شده است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۰۷، ص ۶۱). صحیفه سجادیه به منزله یک دایرةالمعارف علوم اسلامی است که در آن تمام نیازهای انسان برای اصلاح و تربیت خویش و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی، بیان شده است.

بعد از واقعه عاشورا و شهادت جانگداز امام حسین (علیه السلام) و یارانشان، امامت به امام سجاد (علیه السلام) واگذار شد و ایشان به عنوان امام چهارم شیعیان، با وجود تحمل رنج و اندوه فراوان ناشی از مصیبت کربلا و اسارت و شکنجه های دستگاه اموی، وظیفه مهم هدایت و روشنگری جامعه را بر عهده داشتند.

جمود فکری و فرهنگی مردم و رکود علمی جامعه از یک سو، ظلم و ستم خلفا و حکام بنی امیه بر شیعیان از سوی دیگر، شرایط بسیار سختی را برای امام علی (ع) در انجام رسالتشان که اشاعه معارف اهل بیت و گسترش علوم و تعالیم الهی بود به وجود آورده بود. از این رو ایشان بعد از اینکه همه راهها را برای بیان حقایق مسدود یافتند، در قالب دعا، معارف راستین الهی، علوم و تعالیم ناب و ارزشمند اسلامی، معارف اهل بیت (ع) و همچنین اعتقاد حقیقی به خداوند را بیان فرمودند.

صحیفه سجادیه که حاصل بیانات و فرمایشات حضرت در قالب دعا می‌باشد، در حقیقت کلاس آموزش دین، کلاس تقوا و جهاد در راه خدا، کلاس پرستش و عبادت و شیوه راز و نیاز با خداست.

از جمله مسائلی که امام سجاد علیه السلام در صحیفه بدان پرداخته، مسائل تربیتی در ابعاد دینی و اخلاقی است. بنابراین دعای بیست و پنجم این کتاب شریف را به امر تربیت و پرورش کودک اختصاص داده و در سیزده فراز این دعا به مسائلی همچون تربیت و

ادب فرزندان، رزق و روزی فرزندان، حقوق فرزندان بر والدین، دعا در حق فرزند و... پرداخته است.

معنای لغوی تربیت

در کتاب‌های لغت، واژه «تربیت» را با دو ماده لغوی «ربو» و «ربب» مرتبط می‌دانند. برخی لغویون، واژه «تربیت» از ریشه «ربو» را مصدر باب تفعیل دانسته که به دلیل معتل و ناقص بودن ریشه لغوی آن، مصدرش بر وزن «تفعله» آمده است، «رَبَّی یربی تربیه». چراکه کلمه ناقص، هنگامی که به باب تفعیل برده می‌شود، مصدر آنها بر وزن تفعله می‌شود. مانند: تربیه، تزکیه، تحلیه (طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۱۷۱).

این گونه که از سخن اهل لغت برمی‌آید، در این ریشه به نوعی می‌توان معنای زیادت و رشد را یافت و در موارد مختلف استعمال خود نیز این معنا را دارد. عرب‌زبانان به تپه «رَبْوَه» می‌گویند، چراکه نسبت به سطح زمین برآمده‌تر است (احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۸۳). نفس زدن را «ربو» می‌گویند چراکه به هنگام نفس کشیدن سینه برآمده می‌شود و نیز «ربا» را بدین نام نهاده‌اند از آن روی که بر مال، افزوده می‌شود (احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۸۳).

خلیل بن احمد فراهیدی، از لغت‌شناسان قرن دوم، در مورد معنای لغوی این واژه قایل است که ریشه آن به معنای زیادت هست، به‌عنوان نمونه وقتی می‌گوییم: «رَبَّا الجرح و الأرض و المال و کل شیء یَزُو رَبْوًا»، هنگامی است که بدان افزوده شود و بیش از این مطلبی را بیان نمی‌دارد (فراهیدی، العین، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۲۸۴).

راغب در مفردات واژه تربیت را مشتق از ربو می‌داند: «الرَّبُّ فی الاصل التریة. و هو إنشاء الشیء حالاً فحالاً إلى حدّ التمام... ربیت الولد من هذا (ربو)، قیل: اصله من المضاعف فقلب تخفیفا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق). نکته مهم در معنایی که راغب اصفهانی در کتاب خویش آورده است، تدریجی بودن تربیت است که امری است قابل توجه و بسیار مهم.

از قول راغب، این گونه مشخص می‌شود که «تربیت» از «ربو» مشتق شده است، نه از

«رب» مضاعف (طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۲۰). بنابراین، از نظر ایشان «ربو» ریشه اصلی و اولیه واژه تربیت است.

لکن نویسنده عرب‌زبان کتاب النظام التربوی فی الاسلام با استناد به برخی کتاب‌های لغوی معتبر، تصریح کرده است: تربیت در لغت، از ماده «رب» است: «التربية فی اللغة مأخوذة من ربّ ولده و الصبی یربّه» (شریف قریشی، ۱۳۶۲، ص ۴۱).

ابن منظور در لسان العرب در مورد ماده «رب» این چنین می‌گوید: «تَرْبِيَّةٌ وَارْتَبَّةٌ وَ رَبَاهُ تَرْبِيَّةٌ عَلَى تَحْوِيلِ التَّضْعِيفِ اِيضًا» (ابن منظور، ۱۴۱۶ق). همچنین زبیدی در تاج العروس می‌گوید: «رَبُّ الْوَلَدِ وَالصَّبِيِّ يَرْبُهُ رَبَاهُ... كَرَبِّهِ تَرْبِيًّا... وَ رَبَاهُ تَرْبِيَّةٌ عَلَى تَحْوِيلِ التَّضْعِيفِ» (زبیدی، ۱۳۰۶ق).

باتوجه به اقوال ایشان می‌توان گفت «رَبِّي» در اصل «رَبِّب» و مضاعف بوده که به دلیل ایجاد سهولت در تلفظ و تخفیف حرف باء دوم تحویل و تبدیل به حرف عله یاء شده و در نهایت، مصدر آن به دلیل معتل بودن فعل «رَبِّي» بر وزن تفعله آمده است. لذا ریشه اصلی واژه «تربیت» همان «رب» می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۱۹).

ریشه «تربیت» در قرآن

گرچه قرآن کتاب لغت نیست و ما نیز نخست برای بررسی ریشه لغوی «تربیت» به سراغ کتاب‌های لغت رفتیم و کلمات آنها را بررسی کردیم، ولی با توجه به این که زبان قرآن زبان عربی مبین است (وهذا لسان عربی مبین) (نحل، ۱۰۳)، و در کتاب‌های علوم قرآن، یکی از برجسته‌ترین وجوه اعجاز قرآن را «اعجاز ادبی» آن ذکر می‌کنند، به گونه‌ای که ادبای سرآمد عصر نزول قرآن نیز به اعجاز آن در ابعاد ادبی‌اش شهادت داده‌اند. و همچنین، قرآن خود منشأ و اساس پیدایش علوم گوناگون و از جمله علم لغت بوده است. آیت‌الله حسن‌زاده آملی در این زمینه فرموده‌اند: «چون قرآن به میان آمد، از هر علم دری به روی جهانیان بگشود... دانشمندان سر تسلیم به پیش او نهادند و اهتمام تمام در فراگرفتن قرآن و دانستن الفاظ و معانی آن داشتند، تا کم کم علم قرائت پیش آمد و برای حفظ ترکیب جمله‌ها و خطای در اعراب و بناء و صحت و اعتلال،

کتبی در نحو و صرف نوشتند و برای دانستن معانی قرآن احتیاج به لغت و... پیدا شد» (حسن‌زاده آملی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۳۲۷) و اینکه رسالت اصلی و اساسی قرآن تربیت انسان می‌باشد، لذا می‌توان گفت که قرآن به‌عنوان یک منبع و حیانی به‌طور حتم می‌تواند در ریشه‌یابی الفاظ و معانی واژه‌های زبان عربی و به‌خصوص واژه عربی «تربیت» به ما کمک نماید.

با توجه به مطالب پیش گفته، اکنون به ریشه‌یابی مشتقات واژه «تربیت» در قرآن می‌پردازیم:

ریشه «ربو»

«و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرا؛ و بگو: پروردگارا، به پدر و مادرم، که مرا در کودکی و خردسالی بزرگ کردند، رحم کن» (اسراء، ۲۴).

در این آیه واژه «ربّیانی» مشتق از «ربو» بوده و به معنای بزرگ کردن و رشد دادن جسمی فرزند توسط پدر و مادر می‌باشد؛ چرا که کلمه صغیر در آیه مزبور، به معنای کوچک در مقابل کلمه کبیر به معنای بزرگ است. به قرینه کلمه «صغیر» در آیه شریفه، مراد از «ربّیانی» (از ریشه «ربو» و صیغه دوم فعل ماضی از باب تفعیل همراه با ضمیر متکلم است).

«الم نربّک فینا ولیدا و لبثت فینا من عمرک سنین؛ آیا ما تو را در کودکی بزرگ نکردیم، در حالی که چندین سال از عمرت را در بین ما سپری کردی؟» (شعراء، ۱۸).
 هنگامی که حضرت موسی علیه السلام به پیامبری رسید و در برابر فرعون قیام کرد، فرعون او را شناخت و خطاب به او عبارت فوق را بیان کرد. در این آیه نیز به قرینه لفظ «ولید»، که به معنای «طفل تازه تولد یافته» است، «الولید: الصبی المولود». مراد فرعون آن است که ای موسی، تو طفلی در معرض هلاکت بودی و ما تو را از آب گرفتیم و بزرگ کردیم. روشن است که مقصود فرعون از واژه «الم نربّک» کمال روحی و دینی و اخلاقی حضرت موسی علیه السلام نمی‌تواند باشد. فرعون فاقد کمال روحی و تربیت الهی و اخلاقی، چگونه می‌تواند منشأ کمال روحی و تهذیب اخلاقی و دینی حضرت موسی علیه السلام

شود. از این رو در این آیه نیز مقصود از کلمه «نربک»، رشد جسمی و فیزیکی موسی توسط فرعون می‌باشد که از ریشه «ربو» است.

با بررسی این دو آیه مشخص می‌شود که در قرآن کریم، مشتقات واژه تربیت از ریشه «ربو» به معنای رشد و پرورش جسمی و فیزیکی کودک توسط والدین یا فرد دیگر به کار رفته است و در واقع می‌توان گفت کاربرد آن در قرآن فقط در مورد انسان به معنای «تربیت بدنی و رشد و نمو جسمانی متربی» می‌باشد.

ریشه «رب»

«و کائین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله و ما ضعفوا و ما استکانوا و الله یحب الصابرین؛ چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند. آنها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند) و خداوند صابران را دوست دارد» (آل عمران، ۱۴۶).

«ربیون» در آیه مزبور جمع «ربی» است و «ربی» در اصل، از واژه «ربّه» بر وزن «فعله» مصدر نوعی است که با اضافه شدن یاء نسبت، تاء آن حذف شده است. «ربیون» در اصطلاح تربیتی، به معنای متربیان و شاگردانی است که تحت نوع خاصی از تربیت الهی انبیا علیهم‌السلام قرار گرفته‌اند (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، واژه «رب»).

«اَنَا انزلنا التوریه فیها هدی و نور یحکم بها النبیون الذین اسلموا للذین هادوا و الربانیون و الاحبار بما استحفظوا من کتاب الله و کانوا علیه شهداء؛ ما تورات را نازل کردیم، در حالی که در آن، هدایت و نور بود و پیامبران که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می‌کردند و همچنین علما و دانشمندان با این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می‌نمودند» (مائده، ۴۴).

«ربانیون» در این آیه، جمع «ربانی» است. واژه «ربانی» منسوب به «ربان» است، و او کسی است که وظیفه‌اش تربیت ثابت و بادوام است و در اصطلاح تربیتی «ربانی» به معنای مربی است و «ربانی» به همین معنا در حدیثی از امیرمؤمنان امام علی علیه‌السلام به کار رفته است؛ آنجا که فرموده‌اند: «انا ربانی هذه الامة؛ من مربی این امت (امت اسلام)

هستم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، واژه «رب») و چون استاد و مربی نسبت به متربی باید از مراتب بالاتری از تربیت برخوردار باشد تا بتواند در او اثر بگذارد، از این رو، انتساب به «رب» در واژه «ربانی» به دلیل اضافه شدن الف و نون در آن شدیدتر است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ماده «رب»؛ ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۲۵).

برخلاف واژه «تربیت» و مشتقات آن از ریشه «ربو» که در متون اسلامی مثل قرآن و ادعیه به طور محدود استعمال شده‌اند، واژه «تربیت» از ریشه «ربب» و مشتقات آن مانند «رب»، «ربوبیت»، «مربوب» در قرآن و ادعیه به طور فراوان به کار رفته است؛ به گونه‌ای که مشتقات این واژه از ریشه «ربب» بویژه کلمه «رب» از نظر کثرت کاربرد در قرآن و ادعیه کم نظیر است. در مجموع، کلمه «رب» به شکل‌های گوناگون مضاف و غیرمضاف قریب ۹۸۷ مرتبه در قرآن به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۹۷، ماده «رب»). در قرآن، افزون بر واژه «رب»، برخی دیگر از مشتقات ماده «ربب» مثل «ربیون» و «ربانیون»، که مرتبط با مباحث تربیتی و در اصطلاح، به معنای مربیان و متربیان است نیز به کار رفته است؛ به دلیل آنکه دو رکن اساسی تربیت استاد و شاگرد یا مربی و متربی هستند.

با توجه به معانی آیات فوق، معنای واژه «تربیت» از ریشه «ربب»، رشد معنوی تربی و رسیدن به کمال و قرب الهی اوست.

در مجموع می‌توان گفت «تربیت» از ریشه «ربب» به معنای سوق به سوی کمال معنوی، روحی و دینی است، ولی «تربیت» از ریشه «ربو» به معنای سوق به سوی کمال و پرورش مادی و جسمانی می‌باشد.

معنای تربیت در دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده

امام سجاده علیه السلام در دو فراز از این دعای شریف از واژه تربیت و مشتقات آن استفاده نموده که در هردو مورد، این امر مهم را تحت عنایت و توجه خداوند متعال و از وظایف والدین برشمرده است.

با نگاه اجمالی به موارد بیان این واژه در این دعا می‌توان فرازهایی که مرتبط با واژه تربیت می‌شود را به دو بخش تقسیم کرد: فرازهایی از دعا که در ارتباط با پرورش و

رشد جسمی و فیزیکی کودک می‌باشد و بخش دیگر که بیشتر به رشد و کمال روحانی و معنوی فرزند و زندگی اخروی او در ارتباط است.

ایشان در فرازهای ابتدایی دعا وجود و بقای فرزندان را موهبتی از جانب خداوند دانسته و تأکید و توجه ویژه‌ای به طول عمر و رشد جسمانی کودک مبذول داشته‌اند «لَّهُمَّ وَهْنٌ عَلَيَّ بَقَاءِ وَلَدِي،... إِلَهِي امْدُدْ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ، وَرَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ وَقَوِّ لِي ضَعِيفَهُمْ؛ خداوندا و بر من به بقای فرزندانم ممت گذار... خداوندا عمرشان را برای من دراز گردان و در مدت عمرشان برایم بيفزا و خردسالشان را برای من پرورش ده و بزرگ کن و ناتوانشان را برایم نیرومند نما».

و در فرازهایی دیگر به بعد روحانی و معنوی زندگی فرزندان توجه نموده و از خداوند متعال رشد و کمال روحی و معنوی را برای فرزندان طلب می‌نماید «أَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ... وَأَعِزَّنِي وَدُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ و مرا بر تربیت و ادب آموختن به ایشان یاری نما... و مرا و فرزندانم را از شیطان رانده شده، پناه ده»

معنای کلمه «رَبِّ» در جمله «وَرَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ»: «رَبِّ» در این دعا، فعل امر از ریشه «ربو» است که در بیان معنای آن توجه به قراین لفظی و معنوی اهمیت بسزایی دارد. از جمله قراین لفظی می‌توان به کلمه «صغیر» اشاره کرد که حضرت بلافاصله بعد از فعل «رَبِّ» آورده است. «صغیر» در لغت به معنای «کوچک، خرده، ریز، محقر» می‌باشد، بنابر آنچه که در معنای آیه «کما ربيانی صغیرا» گفته شد، می‌توان در این فراز دعا نیز واژه «رَبِّ» را بنابر وجود کلمه «صغیر» به عنوان قرینه لفظی، بزرگ کردن معنا کرد.

از دیگر قراین موجود در این دعا جملات قبل و بعد از کلمه «رَبِّ» است. «إِلَهِي امْدُدْ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ؛ خداوندا عمرشان را برای من دراز گردان».

در این جمله واژه «امدد»، فعل امر از ریشه «مَدَّ، يَمُدُّ» بوده و به معنای افزودن و دراز کردن می‌باشد (مَدَّ النَّهَارُ؛ روز دراز شد) و مَدَّه فَي غِيه أَى أَمَهْلَه و طَوَّلَ له، به معنای کشیدن است و نیز به معنای دوری، فاصله، مسافت، بالا گرفتن، طغیان کردن، زیادت، کشیدن، طول دادن و غیره به کار برده شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۴۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۹۶؛ الفراهیدی، ۲۰۰۳م، ج ۸، ص ۱۶؛ مجز، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۸۵۵).

و واژه «اعمار» که به معنای عمر و سنوات سن انسان است، در کنار یکدیگر بیانگر رشد جسمی و افزایش طول عمر انسان می‌باشد.

«وَزِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ؛ و در مدّت عمرشان برایم بیفز!»؛ فعل امر «زد» از ریشه «زید» به معنای افزودن، زیاد کردن می‌باشد. چنانچه در آیات قرآن نیز به همین معنا به کارفته است: «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا؛ بگو: پروردگارا! علم مرا زیاد کن» (طه، ۱۱۴). واژه «آجال» نیز جمع «اجل» به معنای مدت معین، وقت معلوم که به عمر و مدت زندگی تعبیر می‌شود. «وَقَوِّ لِي ضَعِفَهُمْ؛ ناتوانشان را برایم نیرومند نما»؛ «قَوِّ» فعل امر از ریشه «قوی» به معنای توانایی، نیرومندی است که در روایات و احادیث به کثرت استعمال شده است «قو علی خدمتک جوارحی؛ خدایا قوت (نیرو) بده به اعضا و جوارح برای خدمت به تو» (امیرالمومنین علیه السلام، دعای کمیل بن زیاد).

در این عبارت، همراه با کلمه «ضَعِفَهُمْ» (از ریشه «ضعف» به معنای ناتوانی، سستی) معنای نیرومند کردن و قدرتمند شدن ناتوانان که همان فرزندان کوچک می‌باشد را بیان می‌کند که این توانمندی و قدرت به مرور زمان و با افزایش سن کودک حاصل می‌شود.

بنابراین با توجه به معانی جملات فوق که بیانگر بزرگ شدن کودک، رشد فیزیکی و جسمی وی، افزایش سن او، عمر طولانی و قوی و نیرومند شدنش در طول دوران زندگی می‌باشد و همچنین لزوم توجه به سیاق عبارات، می‌توان معنای «رب» در این دعا را رشد دادن و بزرگ کردن متربی بیان کرد.

نکته: استعمال برخی افعال و کلمات توسط امام سجاده علیه السلام در این بخش از دعا، نشانه این است که ایشان امر تربیت و پرورش کودک را فقط در فاعلیت خداوند دانسته و برای خویشتن به عنوان والد، نقشی جز دعا در حق فرزند خویش قایل نیست، لذا توجه به این نکته ما را در فهم بهتر معنای تربیت در این عبارت یاری می‌نماید؛ چراکه طول عمر، افزایش سن، بزرگ شدن و رشد جسمی و فیزیکی کودک، فقط در ید قدرت خداوند و به اراده اوست.

معنای کلمه «تربیت» در عبارت «أَعْنِي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ»: بیان معنای «تربیت» در

این عبارت نیز منوط به وجود قراین لفظی و معنوی و همچنین سیاق جملات است. وجود کلمه «تَأْدِيبُهُمْ» بعد از «تَزْيِيْتُهُمْ» در این جمله برای معنای تربیت قرینه لفظی است.

«تادیب» بر وزن تفعیل از ماده «ادب» و از مفاهیمی است که کاربرد فراوانی در متون دینی دارد. طریحی ادب را حسن اخلاق معنا می نماید (طریحی، ۱۹۸۵، م، ج ۱، ص ۵۱). ابن منظور، ادب را راهنمای مردم به سوی کار پسندیده، و بازدارنده آنها از کار زشت می داند (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۰۶).

ادب در معانی دیگر نیز از جمله: دانش، فرهنگ، معرفت، روش پسندیده و... به کار رفته است که جمع آن، آداب است. (بامداد، ۱۳۴۳، ص ۱۴). باتوجه به معنای لغوی ادب، «تادیب» به معنای آداب آموزی منتقل کردن آداب روش ها و رفتارهای پسندیده و مطلوب است.

در رابطه با اهمیت ادب در قرآن می توان به این آیه رجوع کرد که در آن، رعایت ادب و نگاه داشتن حرمت افراد در روابط اجتماعی، نشانه خردمندی دانسته شده است. «إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ؛ (ولی) کسانی که تو را از پشت حجره ها بلند صدا می زنند، بیشترشان نمی فهمند» (حجرات، ۴).

آیت الله مکارم شیرازی در این باره می فرماید: «اصولاً هر قدر سطح خرد و عقل بالاتر رود بر ادب او افزوده می شود؛ زیرا «ارزش ها» و «ضد ارزش ها» را بهتر درک می کند و به همین دلیل بی ادبی همیشه نشانه بی خردی است یا به تعبیر دیگر بی ادبی، کار حیوان و ادب، کار انسان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۴۰).

تادیب به معنای ادب آموختن، در روایات از حقوق فرزندان بر والدین شمرده شده و مورد تأکید قرار گرفته است (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، صص ۴۷۳ - ۴۸۲).

حقیقت ادب: «سِئِلَ الْأَمَامُ الْحُسَيْنُ (ع) عَنِ الْأَدَبِ، فَقَالَ: هُوَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِكَ، فَلَا تُلْقَى أَحَدًا إِلَّا رَأَيْتَ لَهُ الْفَضْلَ عَلَيْكَ؛ از امام حسین (ع) سوال شد: ادب چیست؟ امام فرمود: ادب آن است که از خانه خود که بیرون می روی، با هیچ کس برخورد نکنی جز آنکه او را برتر و بهتر از خود ببینی» (شریفی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۷۵۰، ح ۹۰).

امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «وَحَقِيقَةُ الْأَدَبِ: اجْتِمَاعُ خِصَالِ الْخَيْرِ، وَ تَجَانُفِي خِصَالِ الشَّرِّ، وَ بِالْأَدَبِ يَبْلُغُ الرَّجُلُ الْمَكَارِمَ الْأَخْلَاقِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ يَصِلُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ؛ حَقِيقَتِ ادب و تربیت عبارت است از: دارا بودن خصلت‌های خوب، خالی بودن از صفات زشت و ناپسند. انسان به وسیله ادب - در دنیا و آخرت - به کمالات اخلاقی می‌رسد و نیز با رعایت ادب نیل به بهشت می‌یابد» (دیلمی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۰).

برخی روایات نیز در اهمیت و ارزش ادب به بحث رابطه میان ادب و عقل پرداخته‌اند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ؛ ادب نیکو، زینت عقل است» (مجلسی، ج ۷۷، ص ۱۳۱).

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «و باید از کسانی نباشی که پند دادن به آنها سود نرساند مگر هنگامی که به آزرده و رنجاندنشان بکوشی. زیرا خردمند (عاقل) به ادب و یاد دادن پند می‌آموزد و چهارپایان پیروی نمی‌کنند مگر به کتک» (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۹۳۵). و همچنین می‌فرماید: «صَلَاحُ الْعَقْلِ الْأَدَبُ؛ صلاح و آراستگی عقل، ادب است» (آمدی، ۱۳۶۸، ح ۵۷۹۹). و در روایتی دیگر فرمودند: «كُلُّ شَيْ يَحْتَاجُ إِلَى الْعَقْلِ وَ الْعَقْلُ يَحْتَاجُ إِلَى الْأَدَبِ» «هر چیزی نیازمند عقل و خرد است و عقل نیازمند ادب» (آمدی، ۱۳۶۸، ح ۶۹۱۱).

امام در روایاتی، بهترین ارثی را که برای فرزندان می‌توان به جای گذاشت را ادب، معرفی کرده‌اند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «خَيْرُ مَا وَرَّثَ الْأَبَاءُ الْأَبْنَاءُ الْأَدَبُ؛ بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به ارث می‌گذارند، ادب است» (آمدی، ۱۳۶۸، ح ۵۰۳۶).

یکی از نکاتی که در روایات، درباره ادب دیده می‌شود ارتباط ادب با کمال انسانی است؛ اینکه شخصیت آدمی مرتبط با ادب می‌باشد و هر قدر ادب افزوده گردد شخصیت آدمی نیز بالاتر می‌رود. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «سَبَبُ تَزَكِيَةِ الْأَخْلَاقِ حُسْنُ الْأَدَبِ؛ ادب نیکو، سبب پاکی اخلاق است» (آمدی، ۱۳۶۸، ح ۵۰۲۰). «الْأَدَبُ كَمَالُ الرَّجُلِ؛ ادب کمال آدمی است» (آمدی، ۱۳۶۸، ح ۹۹۸).

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «يَا مُؤْمِنُ إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَ الْأَدَبَ ثَمَنُ نَفْسِكَ فَاجْتَهِدْ فِي تَعَلُّمِهَا فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَ أَذْبِكَ يَزِيدُ فِي ثَمَنِكَ وَ قَدْرِكَ فَإِنَّ بِالْعِلْمِ تَهْتَدِي إِلَى رَبِّكَ وَ

بِالْأَدَبِ تُحْسِنُ خِدْمَةَ رَبِّكَ...؛ ای مؤمن علم و ادب، ارزش وجود توست. در تحصیل علم کوشش نما. چه به هر مقداری که بر دانش و ادب افزوده شود قدر و قیمت تو افزایش می‌یابد» (طبرسی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۷).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ادب را این‌گونه تعریف می‌کند: «ادب، هیئت زیبا و پسندیده است که طبع و سلیقه چنین سزاوار می‌داند که هر عمل مشروعی چه دینی باشد مانند دعا و امثال آن و چه مشروع عقلی باشد مانند دیدار دوستان بر طبق آن هیئت واقع شود. به عبارت دیگر: ادب عبارتست از ظرافت عمل» (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۶، ص ۲۵۶۰).

ارتباط ادب و تربیت

گاهی ادب به معنای تربیت و مترادف با آن به کار می‌رود. «چون در ثلاثی مزید آمده، صیغه ادبه و تأدیب فراهم آید و به معنای ادب آموخت به کار می‌رود» (رشیدپورتهران، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

چنان‌که امام علی علیه السلام فرموده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَذَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ أَذَّبَنِي وَأَنَا أُؤَذِّبُ الْمُؤْمِنِينَ؛ همانا پروردگار عزوجل، پیامبرش را تربیت کرد و او مرا تربیت کرد، من نیز شما مؤمنان را تربیت می‌کنم» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۷، ص ۸، ح ۲).

در تربیت فرزند مهمترین نکته‌ای که باید مد نظر داشت آموزش ادب است. وظیفه هر پدر و مادری این است که فرزند را ادب پسندیده بیاموزد. حضرت زین العابدین علیه السلام فرمود: «حق فرزندان به تو این است که بدانی...، موظفی فرزندان را با آداب و اخلاق پسندیده پرورش دهی» (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۴۵).

امام علی علیه السلام در ضمن نامه خود به فرزندش امام حسن علیه السلام نوشته است: «أَيُّ بُنَيَّ فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ؛ فرزند عزیز در راه ادب آموزی تو از فرصت استفاده کردم و قبل از آنکه دل کودکانه‌ات سخت شود و عقل به اندیشه‌های دیگری مشغول گردد به تربیت مبادرت نمودم و وظیفه پدری خود را انجام دادم» (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۹۰۹).

بنابر آنچه گفته شد به‌طور کلی واژه «تادیب» در لغت و اصطلاح به معنای ادب کردن و آموختن اخلاق حسنه و راه و روش نیکو می‌باشد و با توجه به اینکه در این عبارت دعا، امام علیه السلام تربیت و تادیب را در کنار یکدیگر و معطوف به هم به کار برده است، لذا براساس قرینه لفظی می‌توان معنای تربیت را نیز در این جا همان معنایی که در تعریف ادب عنوان شد بیان نمود و در حقیقت تادیب و تربیت در این فراز دعا همان سوق دادن فرزند به سمت کمال و رشد روحی و معنوی او می‌باشد و باز هم توجه به این نکته مهم است که در این نوع تربیت امام سجاد علیه السلام، والدین را فاعل عمل تربیت و در واقع مربی دانسته و از خداوند متعال در انجام این امر یاری و استعانت طلب می‌نماید.

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مطرح شده، نکات ذیل را می‌توان نتیجه گرفت:

۱. براساس کتاب‌های لغت و کلمات لغویان، واژه «تربیت» با دو ریشه لفظی «رب» و «ربو» مرتبط است که تغییرات لغوی و لفظی واژه مزبور و موارد استعمال آن، دارای پیامد معنایی خاص می‌باشد، که در دو معنای سوق به سوی کمال معنوی، روحی و دینی و معنای سوق به سوی کمال و پرورش مادی و جسمانی به کار می‌رود.
۲. امام سجاد علیه السلام نیز با در نظر گرفتن هر دو معنای این واژه در دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده، در فرازهای ابتدایی دعا، واژه را در معنای رشد دادن و بزرگ کردن جسمی و فیزیکی کودک به کار برده و از خداوند متعال، افزایش و طول عمر فرزندش را خواستار است و در ادامه دعا رشد روحی و معنوی فرزند را مورد توجه قرار داده و از واژه تربیت برای سوق دادن فرزند به سمت کمال روحی و معنوی استفاده نموده است و از خداوند در این راه استعانت می‌جوید.

منابع

- * قرآن کریم
- ** نهج البلاغه
- *** صحیفه سجادیه
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة (محقق: عبدالسلام محمد هارون). قم: مکتب الاعلام الاسلامی .
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۶ق). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن میثم بحرانی، کمال الدین. (۱۳۷۵). شرح نهج البلاغه (ج ۵). مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (گردآورنده). (۱۳۶۸). غرر الحکم و درر الکلم: مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام (مصحح: مهدی رجایی). قم: دار الکتاب الاسلامی.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۳۷۸ق). الذریعة الى تصانیف الشیعه (چاپ دوم، ج ۱۵). بیروت، دار الاضواء.
- بامداد، محمود. (۱۳۴۳). ادب چیست؟ ادیب کیست؟. تهران، مؤسسه انتشاراتی و مطبوعاتی اشرفی.
- حرّ عاملی (شیخ)، محمد حسن. (۱۴۱۲ق). وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۴۱۷ق). المحقق الطباطبائی فی ذکراه السنویة الاولى (ج ۳). قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث .
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۳۷۵). إرشاد القلوب : المنجي من عمل به من أليم العقاب. تهران: دارالاسوه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۶ق). معجم مفردات الفاظ القرآن (محقق: ندیم مرعشی). بیروت: دارالتعارف.

- رشیدپور، مجید. (۱۳۷۸). آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی (با تأکید بر روش‌ها). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- شریف قریشی، باقر. (۱۳۶۲). النظام التربوی فی الاسلام. تهران: فجر.
- شریفی، محمود؛ زینالی، سیدحسین؛ احمدیان، محمود؛ سید محمود مدنی. (۱۳۹۶). موسوعة کلمات الامام الحسین (علیه السلام). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- زبیدی، محمدمرتضی. (۱۳۰۶ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار مکتبه الحیاة.
- طباطبایی، محمدرضا. (۱۳۶۱). صرف ساده. قم: دارالعلم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۹۸۵م). مجمع البحرین (ج ۱). بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن (الطبعة الثانية). بیروت: اعلمی.
- طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۷۹). مشکاة الانوار فی غرر الاخبار. قم: دارالتقلین.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). مکارم الأخلاق. قم: الشریف الرضی.
- عبدالباقی، محمد فؤاد. (۱۳۹۷). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. قم: اسماعیلیان.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۵ق). کتاب العین. قم: دارالهجرة.
- قمی، عباس. (۱۳۷۹). مفاتیح الجنان. تهران: نشر الهادی.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۱۶ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: موسسة الطباعة والنشر.
- مدنی، علیخان بن احمد (شارح). (۱۳۶۸). ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین. قم: مؤسسه آل البيت.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۶۲). بحار الانوار (ج ۷۷، ۱۰۷). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (ج ۲۲). تهران: دارالکتب اسلامیة.